عقلانیت و مقابله با خرافات با تاکید بر آثار سید مرتضی

مجید معارف[1]
حامد شریعتی نیاسر[2]

چکیده

سید مرتضی از عالمان به نام امامیه در قرن پنجم در زمره دانشمندانی است که جنبه‌ی عقلانیت در آثار آنان بسیار قوی بوده و همین قوت عقلانیت، نقش بسزایی در مخالفت جدی وی با خرافات داشته که آن هم ریشه در جهل و نادانی بشر دارد. باورهایی از قبیل اعتقاد به فال بد یا طیره و نیز شوم بودن برخی موجودات. عقلانیت نزد سید مرتضی تا بدان حد از اهمیت است که وی افرادی که از سر تقلید و بدون تعقل معتقد به حق بوده و مبانی اعتقادی خویش را بدون تدبر و تأمل پذیرفته‌اند را، چنانچه این شاکله‌ی ذهنی به تضییع حقایق اسلامی منجر شود، کافر و فاسق می‌داند و بر همین اساس سخن آنان را فاقد حجیت لازم دانسته و اخبار و روایات آنان را نیز مردود اعلام می‌کند. سید مرتضی درآثار خود بر اساس همین عقلانیت به شدت به نفی چنین باورهای خرافی پرداخته و حتی روایات سازگار با این باورها را یا مردود دانسته و یا در صدد تأویل و توجیه آن برمی‌آیدو در عین حال در قلمرو دینی خارج از عقلانیت حتی با وجود غرابت ذهنی برخی از روایات، ملتزم به تعبد در برابر آن است.

کلیدواژه ها: سید مرتضی، عقلانیت، حجیت خبر، اخبار آحاد، خرافه زادیی

[1]- استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران maaref@ut.ac.ir
[2]- استادیار دانشگاه قرآن و حدیث hshariati@ut.ac.ir

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

۱. طرح مسأله

سید مرتضی عالمی عقلگرا است که مخالفت جدی با سطحی نگری و قشری گری به ویژه در معارف دینی داشته است. اگر چه اصطلاحاتی مانند اخباری و اصولی، اصطلاحاتی است که بعد از سید مرتضی پدید آمده است، اما در همان دوران هم برخی از عالمان مذاق اخباریگری داشته‌اند؛ مانند کلینی و شیخ صدوق. ولی سید مرتضی از جمله دانشمندانی است که در آثار خود جنبه عقلگرایی را به نمایش گذاشته و چیزی که سید مرتضی را هم تا به امروز نگه داشته همین جنبه عقل گرایی او ومبارزه با خرافه پرستی و خرافات است. اما سؤال مهم در این است که عقلگرایی سید مرتضی، چه موضعی از او در مقابل نقل و حدیث به بار آورده و دیگر آنکه تکلیف آن دسته از مسائل دینی که عقل در داوری نسبت به آن ساکت است،در دیدگاه سید مرتضی چه می‌شود. این مقاله در پی آن است که ضمن یافتن پاسخ سؤالات یاد شده، نقش عقلانیت در خرافه‌زدایی را با تأکید بر آثار این دانشمند عقل‌گرای به نام امامیه بررسی کند.

۲. درآمد

جهت دستیابی به جایگاه عقل در اندیشه‌ی سید مرتضی و نقش عقلانیت در خرافه‌زدایی با استفاده از آثار این دانشمند، ابتدا ضروری است چند مطلب مقدماتی از جمله عقل و حجیت آن در آیات وروایات، خرافه و زمینه‌های پیدایش آن در فرهنگ عامه و زمینه‌های عقلانیت در آثار و شخصیت سید مرتضی مورد توجه قرار گیرد.

۲. ۱. عقل و حجیت آن در آیات و روایات

عقل گوهر گرانبهای الهی است که در وجود انسانها به ودیعه نهاده شده و پیروی از آن موجب نجات و رستگاری است. عقل میزان تشخیص درستی یا نادرستی اقوال است و با استفادهٔ از آن می‌توان به صحت و سقم عقاید و افکار واقف شد و اگر عقل تخطئه شود، انسان از دسترسی به حقائق محروم خواهد شد. جایگاه عقل در قرآن و حدیث جایگاهی رفیع است. در قرآن کریم و احادیث معصومان علیهم السلام به اندیشیدن و تعقل کردن توصیه شده است. در نظر بیشتر متفکران امامیه عقل و نقل[۱] دو منبع دریافت معارف و و اطلاعات جهان شناسی و پی‌بردن به حقایق دینی و احکام شرعی‌اند (پهلوان، جایگاه عقل و دین در قرآن و حدیث،۷۵-۸۸). در این راستا عقل اعتباری همچون نقل و گاه مقدم بر آن دارد تا آنجا که برخی از عالمان بزرگ شیعه عقل را «حجة

[۱]- مقصود از نقل در این مقاله گزارشهای روایی است که حاکی از فعل، قول و یا تقریر پیامبر-صلّی الله علیه و آله- و دیگرمعصومان علیهم السلام باشد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

الحجج» نامیده‌اند(همانجا به نقل از میرزا مهدی اصفهانی). این عالمان نیازمندی مسلمانان به عقل در پذیرش اصول عقاید و همچنین در شناسایی احکام را مورد تأکید قرار داده‌اند(مظفر،۲/ ۱۱۶).اینان در بررسی منابع معتبر فقه، از دلیل عقلی به عنوان یکی از مدارک اصلی استنباط احکام نام برده‌اند. در قرآن کریم، آیات بسیاری در لزوم تبعیت از عقل وجود دارد و انسانهایی که خود را از این نعمت الهی محروم کرده‌اند، در قالب استفهام توبیخی مورد نکوهش واقع شده‌اند(نک: الأعراف، ۱۶۹). از دیدگاه قرآن کریم رجس و پلیدی بر کسانی است که تعقل نمی‌کنند(نک:یونس، ۱۰۰) و چنین کسانی بدترین جنبندگان نزد خدایند(نک: الأنفال،۲۲) و همین به کارنیانداختن قوه‌ی عقلانی، از اسباب به دوزخ افتادن جهنمیان است(نک: الملک،۱۰)

عقل، دین درونی و شرع عقل بیرونی است(طریحی،۵ / ۴۲۵).در روایات پیامبر اکرم(ص) و دیگر معصومان علیهم السلام به پیروی از عقل تأکید شده است و اولین باب مجموعه‌های حدیثی امامیه همچون کتاب کافی تألیف کلینی و بحارالأنوار تألیف علامه‌ی مجلسی «کتاب العقل و الجهل» است.مطابق برخی روایات نقل شده از پیامبر اکرم(ص)، خداوند برتر از عقل چیزی را بین بندگان تقسیم نکرده است(کلینی، ۱/ ۱۲ و مجلسی، بحارالأنوار، ۱/ ۹۱) و عقل فرستاده‌ی حق است(آمِدی، ۲۷، حدیث۳۲۶). از سوی دیگر مطابق همین روایات رسولان و انبیاء الهی و ائمه علیهم السلام حجج ظاهری‌اند(کلینی، ۱/ ۱۵ و نیز عاملی، وسائل الشیعهٔ، باب وجوب طاعة العقل). بیشتر منابع روایی عقل را حجت بین خدا و بندگانش دانسته‌اند(نک : کلینی، ۲۵/۱؛مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین، ۱۲/ ۲۴۴، فیض کاشانی، ۱/ ۱۱۳؛بحرانی، الحدائق الناضره، ۱۳۰/۱؛همو، الدرر النجفیه ۲۵۱/۲؛ حر عاملی ، الفصول المهمه ۱۲۱/۱؛ همو،وسائل الشیعه، ۲۷/ ۱۶۳؛ مجلسی، مرآة العقول، ۱/ ۸۰ ، همو، بحار الأنوار۱۰۷/ ۹۵). اهمیت این مسأله از آن روست که با وجود مقام رفیع رسولان و انبیاء و ائمه علیهم السلام، آنها حجت ظاهری شمرده شده‌اند و عقل، این گوهر گرانبهای الهی که در وجود انسانها به ودیعت نهاده شده، حجت باطنی خوانده شده است.از سوی دیگر فلسفه‌ی ارسال رسولان الهی زنده ساختن عقل‌مداری و آشکار کردن گنج‌های پنهان عقلانیت در جوامع انسانی است(سید رضی، خ۱) و اساساً شخص با ایمان کسی است که عقل را راهنمای خود قرار دهد و از آن پیروی کند(کلینی، ۲۵/۱؛ حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ۲۰۷/۱۵ ؛کراجکی، ۱۹۹/۱) و به تعبیر دیگر می‌توان گفت مؤمن عقل‌مدار است و عقلانیت مبنای اعتقادات و کردار او است. در واقع شناسایی و اعتبار دین خود به توسط عقل صورت می‌پذیرد و بی استمداد از عقل نمی‌توان دیندار بود.

عقل وسیله‌ی شناخت پیامبران راستین از مدعیان دروغین نبوت است(کلینی، ۱/ ۲۵، صدوق، علل الشرائع، ۱۲۲/۱) و اساسا آنکه عقلانیت خود را به کار نمی‌بندد، دین ندارد زیرا تمام خیر در به کارگیری درست عقل است(حرانی، ۵۴ ، نوری، ۲۰۸/۱۱ و ۲۰۹ ؛ مجلسی، بحارالأنوار،۹۴/۱ و ۱۶۰/۷۴ ؛ فتال نیشابوری، ۱/ ۴ ؛

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

کراجکی،۳۱/۲) و چنین دینداری مورد اعتنا قرار نگرفته(کلینی، ۲۷/۱) و حتی اگر نماز و روزه و حج بسیار داشته باشد، اعمالش از او پذیرفته نیست(همو، ۱/۲۴) زیرا در روز قیامت بندگان به میزان عقولشان به درجات عالیه و قرب الهی نائل می‌شوند(طبرسی، ۴۸۷/۱۰).[۱]

۲. ۲. خرافه و زمینه‌های پیدایش آن در فرهنگ عامه

در زبان فارسی خرافه به امر موهوم و غیر واقعی گفته می‌شود(خداپرستی، مدخل خرافه) و خرافات عبارتند از مجموع اعتقادات یا اعمال ناشی از نادانی، ترس از ناشناخته‌ها، اعتقاد به جادو و بخت، درک نادرست برخی علت‌ومعلول‌ها، و مانند آن(عمید، مدخل خرافات) که تکیه‌گاه عقلی و شرعی نداشته و مانع مهمی در برابر عقلانیت به شمار می‌روند.همچنین در کتاب‌های لغت عرب، خرافه سخنی است دروغ اما جالب توجه و شنیدنی[۲](فراهیدی، ۴/ ۲۵۲؛ صاحب بن عباد،۳۲۹/۴) و نیز گفته شده این کلمه در اصل نام شخصی از قبیله‌ی بنی‌عذره یا بنی جهینه بوده است که جنیان او را می‌ربایند و پس از مدتی رها می‌کنند و او مطالبی را از قول آنها برای مردم بازگو می‌کرده است و چون باور آن مطالب برای مردم سخت بود سخن او را باور نمی‌کردند و می‌گفتند «هذا حدیث خرافهٔ» و سپس این کلام بر هر سخن بیهوده و بی‌اساسی گفته شد.(نک: جوهری، ۱۳۴۹/۴؛ ابن‌سیده، ۱۷۱/۵؛ ابن منظور، ۶۵/۹؛احمد خفاجی،۱۴۰؛زبیدی، ۱۶۲/۱۲).باورهای خرافی از دیرباز در میان بشر رواج داشته است و یکی از مهمترین زمینه‌های شکل‌گیری آن را می‌توان در جهل و نادانی بشر دانست کما اینکه در تاریخ اسلام نیز پیشینه‌ی آن به دوره جاهلیت و باورهای خرافی آنان باز می‌گردد که برخی از آنها را قرآن کریم متذکر شده است و به شدت از آن نهی کرده است؛ باورهایی از قبیل اعتقاد به فال بد یا طیره (النمل، ۴۷؛ یس، ۱۹)[۳] و یا گمان خرافی مردم در مورد خورشید گرفتگی روی داده هنگام مرگ ابراهیم فرزند پیامبر(ص) که انکار شدید پیامبر(ص) نسبت به این باور را در پی‌داشت و به دنبال آن فرمود: خورشید و ماه دو نشانه از نشانه‌های پروردگارند و گرفتگی آنها در پی مرگ یا زندگی کسی نیست[۴] (تفصیل را نک: برقی، ۲/ ۳۱۳ ؛کلینی، ۵/ ۵۲۷ و ۶/ ۵۸۷ ؛ صدوق، من‌لایحضره‌الفقیه، ۱/ ۵۴۰)[۵] و یا اعتقاد به سعد و نحس ایام و ساعت‌هایی از شبانه روز بر اساس وضعیت ستارگان در آسمان‌ها نمونه‌ای از برخورد شدید امیرمؤمنان(ع) با چنین تفکرات خرافه‌گرایانه‌ای در نهج‌البلاغه آمده است، آنجا که هنگام عزیمت امام(ع) برای نبرد با خوارج،فردی به ظاهر

---

[۱]- برای آگاهی بیشتر در این خصوص به عنوان نمونه نک:پهلوان، جایگاه عقل و دین در قرآن و حدیث/۷۵-۸۸

[۲]- الخُرَافَةُ: حدیث مستملح کذب

[۳]- برای آگاهی بیشتر در این باره به عنوان نمونه نک: جمشیدی، ۹۳-۱۴۲ و علوی‌نژاد، ۲۴۸-۲۷۱.

[۴]- «إِنَّ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ آيَتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ يَجْرِيَانِ بِتَقْدِيرِهِ وَ يَنْتَهِيَانِ إِلَى أَمْرِهِ وَ لَا يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَ لَا لِحَيَاةِ أَحَدٍ»

[۵]- برای آگاهی بیشتر از موارد این خرافه گرایی در دوره جاهلیت و چگونگی مبارزه‌ی پیامبر با آن نک: حسینی رودباری، ۴۸-۶۶؛ فتاحی‌زاده ۳۹-۵۸.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

منجم نزد ایشان آمده اظهار می‌دارد که من با بررسی ستارگان دریافته‌ام که چنانچه شما الان برای جنگ حرکت کنید شکست می‌خورید و امام(ع) به شدت او و هر آن کس که به باور او معتقد باشد را تخطئه کرده و چنین اعتقادی را مساوی با کفر به خداوند متعال می‌داند(نک :سید رضی، کلام ۷۹ و نیز دلشاد تهرانی، تراز حیات، ۶۳۲-۶۳۴)و برای مخالفت با ادعای وی در همان ساعت حرکت کرده و پیروز هم می‌شود(نک: ابن ابی‌الحدید، ۲/ ۲۷۰). همچنین در یکی دیگر از خطبه‌های نهج‌البلاغه در نفی خرافه‌ی رایج بین مردم در کیفیت تولید مثل طاووس که آن را ناشی از قطره اشک چشم طاووس نر می‌دانستند، امام علی علیه السلام ضمن اشاره به اینکه جفت‌گیری طاووس همانند خروس است می‌فرماید «این باور نادرست از افسانه‌ی موهوم آمیزش منقار به منقار کلاغ شگفت‌آورتر نیست» (نک: سید رضی، خطبه۱۶۵، و نیز دلشاد تهرانی، تراز حیات، ۶۳۱).پاره‌ای باورهای خرافی نیز در قالب اسرائیلیات به کتاب‌های تفسیری و تاریخی مسلمانان راه یافته است.[۱] برخی دیگر از باورهای خرافی نظیر اعتقاد به نحوست عدد سیزده و مواردی از این دست از جمله باورهای خرافی رایج بین مردم ایران زمین است که انسان مسلمان معتقد به خداوند و عقلانیت دینی، بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات که چیزی جز دستورات سازگار با عقل نیست، لازم است از آنها اجتناب کند.[۲] سید مرتضی نیز در آثار خود بر اساس همین عقلانیت است که به شدت به نفی چنین باورهای خرافی پرداخته و حتی روایات سازگار با این باورها را یا مردود دانسته و یا در صدد تأویل و توجیه آن برمی‌آید که در ادامه به نمونه‌هایی از این عقلانیت سید مرتضی در مبارزه با موهومات خرافی اشاره خواهد شد.[۳]

۲. ۳. زمینه‌های عقلانیت در آثار و شخصیت سید مرتضی(ره)

ابوالقاسم علی بن الحسین بن موسی، ملقّب به علم الهدی و سید مرتضی از دانشمندان صاحب نام امامیه در قرن چهارم و پنجم هجری است. در این دوران بدلیل ضعف خلافت عباسی و حضور مقتدرانه حکومت شیعی آل‌بویه و درگیرشدن علمای اهل سنت با جریاناتی فکری چون معتزله،فرصت مناسبی برای دانشمندان شیعه برای نشر و ترویج فرهنگ و معارف اهلبیت علیهم السلام بوجود آمد(خضری و همکاران، ۳۴۶/۲) و به خصوص حوزهٔ بغداد در میان شیعیان از رونق چشمگیری برخوردار بود و دانشمندان بسیاری در آن رشد و پرورش یافتند و سید

---

[۱]- برای آگاهی بیشتر در این باره نک: جعفری، ۴۳-۸۰. همچنین برای اطلاع از نمونه‌هایی از این اسرائیلیات به خصوص در مورد انبیاء عظام الهی که به فرهنگ عرب راه یافته است رک: فجر رسلان، ۱۰۵-۱۳۵.

[۲]- لازم به ذکر است که این مسأله مورد توجه اندیشوران مسلمان در دوره معاصر نیز بوده است و در صدد مقابله با آن برآمده‌اند. برای آگاهی بیشتر به عنوان نمونه نک: پژوهنده، ۷۹-۱۰۲.

[۳]- برای آگاهی بیشتر درباره زمینه‌های پیدایش خرافه‌گرایی نک: نصراللهی، ۱۹۹-۲۲۳؛ وکیلی، ۸۵-۹۶؛ در این باره کتاب‌هایی نیز به نگارش درآمده است. از جمله رک: گوستاو جاهودا، ترجمه محمد تقی براهنی. همچنین نقد این کتاب را نک: شعیری،۶۲-۶۵ و مولوی گنجه، ۲۱-۲۴.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

مرتضی که پس از استاد خود شیخ مفید ریاست این حوزه را عهده‌دار شد، از افراد تاثیرگذار آن است (همانجا، ۳۲۰و۳۲۱).وی در فنون مختلف علم و ادب سرآمد و صاحب‌نظر و در جامعیت بین دانشمندان اسلامی کم‌نظیر بود.[۱] شمار قابل توجهی از آثار متعدد و متنوع او در حوزه‌های مختلف اعم از کلام، فقه، اصول فقه، تفسیر، شعر و ادب و حدیث برجای مانده است که در تمامی آنها، عقلگرایی سید مرتضی جلوه و ظهور ویژه‌ای دارد و همین موضوع را می‌توان یکی از دلایل اقبال عموم دانشمندان به کتاب‌ها و تألیفات او در طی قرون و اعصار مختلف دانست(پهلوان، خورشید مغرب، ۲۸). برخی از مهمترین زمینه‌های این عقلگرایی عبارتند از شاگردی سید مرتضی نزد اساتیدی چون قاضی عبدالجبار معتزلی[۲] و شیخ مفید[۳]، وجود مکتب عقلگرای معتزله[۴] و حضور پررنگ آنان در بغداد در روزگار سید مرتضی[۵] و تأثیرپذیری سید مرتضی (ره) از آثار علمی خاندان نوبختیان[۶].

واقع شدن در عصر غیبت و احساس نیاز به اجتهاد در احکام فقهی را نیز می‌توان یکی دیگر از زمینه‌های عقلگرایی سید مرتضی دانست؛ زیرا فقهای امامیه تا پیش از عصر غیبت و حتی در دورهٔ غیبت صغری بدلیل حضور امامان علیهم السلام نیازی به اجتهادات عقلی نداشته و تنها راوی اخبار و نقل‌گرای صرف بودند(مفید، المسائل السرویه،۱۶)و بغداد خاستگاه سید مرتضی نیز مستثنای از آن نبوده و بخصوص تا پیش از دوران شیخ مفید رویکرد نص‌گرایانه در آن غلبه داشت به طوریکه مکتب حدیثی قم و بیشتر عالمان امامی تا قرن چهارم پیرو آن بوده و همت آنان بیشتر بر جمع آوری احادیث مصروف بود(جباری، ۷۳-۷۵ و مدرسی طباطبایی، ۲۳۰). از این رو است که سید مرتضی به تبع استاد خود شیخ مفید- که آنان را گروهی که غث و

---

[۱]-برای آگاهی بیشتر از شرح حال زندگانی سید مرتضی به عنوان نمونه نک: ابن اثیر، ۵۴۴/۷؛ ذهبی،حوادث و وفیات سنهٔ۴۲۱-۴۴۰ق/۴۳۳؛ قمی، ۴۶۳ ؛ سبحانی، جعفر، ۲۳۴/۵ به نقل از منابع گوناگون و نیز محی‌الدین.

[۲]- برای آگاهی از شرح حال و دیدگاه‌های قاضی عبدالجبار معتزلی نک: زرکلی، ۲۷۳/۳،صفدی، ۳۱/۱۸-۳۴

[۳]- برای آگاهی از احوالات وی و برخی از دیدگاههای او نک: خوانساری،۱۵۳/۶-۱۷۸

[۴]- برای آگاهی بیشتر دربارهٔ وضعیت مکتب معتزله در قرن چهارم هجری به عنوان نمونه نک: مفتخری، ۶۳-۹۸.

[۵]- گرچه برخی معتقدند اندیشه‌های سید مرتضی و استاد وی شیخ مفید بی‌تاثیر از تفکرات کلامی معتزله نبوده است(نک: رضوی صوفیانی و گذشته؛ باقری، ۳۸-۴۴)اما باید گفت وی هیچگاه در عقاید خود به مکتب معتزله گرایش نداشته بلکه در مقابل به نقد آن پرداخته و حتی با نگارش کتاب «الشافی» به رد دیدگاه‌های استاد خود یعنی قاضی عبدالجبار پرداخته است و در غیر آن نیز در آثار خود بر این نکته تأکید دارد که روش و مسلک او غیر از آن چیزی است که معتزله برآنند(سید مرتضی،مجموعه رسائل، ۱/۱۳۸ و۲/۳۱۷).

[۶]- نوبختیان در شمار خاندانهای اصیل ایرانی‌تباری‌اند که در اواخر قرن اول تا اوایل قرن پنجم هجری می‌زیسته‌اند و خدمات قابل توجهی را در مسیر ترویج فرهنگ شیعی انجام داده‌اند و ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی از نواب اربعهٔ امام عصر علیه السلام یکی از افراد این خاندان است[خضری و همکاران، ۲۱۲/۲-۱۸۱] و به باور برخی محققان معاصر متکلمان امامی بغداد و از جمله سید مرتضی تا حد زیادی از تفکرات آنان تأثیر پذیرفته‌اند.(سبحانی، محمد تقی، ۲۱۸ و۲۱۹)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

سمین را با هم روایت می‌کنند، معرفی کرده است(مفید، المسائل السرویه، ۷۳)ــ انتقادات شدیدی را متوجه اصحاب حدیث کرده و به مقابله با تفکر ایشان پرداخت و نیز کوششی تمام در جهت ترویج تفکر عقلگرایانه در آثار خود به خرج داده است که در ادامه به مواردی از آن اشاره خواهد شد.

۲. ۳. ۱. عقل و اعتبار آن از دیدگاه سید مرتضی

عقل در نظر سید مرتضی عبارتست از اصول و برهان‌های قاطعی که در آن احتمال و مجاز راه نداشته باشد و چنین عقلی است که اساس و بنیاد معرفت انسانی است و براهین و ادلهٔ دیگر باید بدان ارجاع داده شوند(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۱/ ۳۰۹ و ۳۳۴). به عقیدهٔ سید مرتضی جایگاه عقل انسان، قلب اوست[۱] و تمامی افراد اعم از انبیاء علیهم السلام و غیر ایشان در برخورداری از این نعمت یکسان‌اند و ملاک مزیت و برتری فردی بر فرد دیگر در سایر علوم است(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۴/ ۳۱.).همچنین ارائهٔ تقسیمات منطقی از مفاهیم مختلف و بیان عقلی فروعات آن تقسیم نشان از جایگاه والای عقل نزد سید مرتضی دارد. بعنوان مثال در بحث از استحقاقی بودن ثواب، ابتدا با ذکر عبارت «...والأستحقاق في العقل له وجهان احدهما في العين و الآخر في الذمة...» (سید مرتضی،الذریعه، ۲/ ۸۲۶)، وجوه عقلی آن را برمی‌شمارد و یا در مساله‌ای دیگر بیان این نکته که «اگر کسی بگوید به فلانی صد درهم دادم، به لحاظ عقلی دلیلی وجود ندارد که بیشتر از آن مبلغ نداده باشد»(سید مرتضی، الذریعه، ۱/ ۴۰۷) ، بر لزوم توجه به عقل از دیدگاه این دانشمند در مسائل روزمره دلالت دارد. همچنین کاربرد عبارت‌هایی از قبیل: «إنه جائز من جهة العقل»(سید مرتضی، الذریعه، ۲/ ۵۲۸) و یا «جازت العبادة عقلا...»(سید مرتضی، الذریعه، ۲/ ۵۲۸) همگی حاکی از منزلت و اهمیت عقل و میزان عنایت سید مرتضی بدان در استدلال‌های خویش است.

طبق برخی آثار، عقل و خرد در نظر سید مرتضی تا بدان حد از اهمیت است که وی افرادی که از سر تقلید و بدون تعقل معتقد به حق هستند و مبانی اعتقادی خویش را بدون تدبر و تأمل پذیرفته‌اند، در صورتی که این شاکله‌ی ذهنی آنان به تضییع حقایق اسلامی منجر شود را، کافر و فاسق می‌داند(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۲/ ۳۱۶-۳۱۷)[۲] و بر همین اساس در موارد دیگری از آثار خویش، سخن این چنین افرادی را فاقد حجیت لازم دانسته و اخبار و روایات آنان را مردود اعلام می‌کند(سید مرتضی، مجموعه رسائل ، ۳/ ۳۱۰ و ۳۱۱).

---

[۱]- بدیهی است که مراد از این قلب، نه آن قلب صنوبری شکل است بلکه مقصود از آن همان قلبی است که در قرآن در کنار واژهٔ «سمع» بکار رفته (ق، ۳۷) و «تفقّه» و «تعقل» بدان نسبت داده شده است (الأعراف، ۱۷۹؛ الحجّ، ۴۶).

[۲]- اعلم أنّ معتقد الحق على سبيل التقليد غير عارف باللّه تعالى، و لا بما أوجب عليه من المعرفة به فهو كافر لاضاعته المعرفة الواجبة...فإذا ثبت كفر من ضيع المعارف، فلا شبهة فی أنه فاسق، لان كل كفر فسق و ان لم يكن كل فسق كفرا... فهو ملزم معاقب على تضييعه و تفريطه.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

به باور سید مرتضی خداوند هیچگاه مکلفین را رها نکرده و همواره راهی برای شناخت احکام شرعی برای ایشان قرار داده است و از این رو در فرض نبود دلایل سمعی و یا اجماع امامیه نسبت به مساله‌ای از احکام شرعی، تنها حجت مکلفین در این مساله دلایل و احکام عقلی است(سید مرتضی، مجموعه رسائل ، ۱/ ۲۱۱). از این رو به اعتقاد وی چنانچه کسی در جایی باشد که دین خدا از طریق پیامبران به او نرسد و اطلاعی از آن نداشته باشد، حجت وی در انجام تکالیف الهی عقل اوست و باید به حکم عقل خویش عمل کند(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۴/ ۳۴) .[۱]

۲. ۳. ۲. حوزه‌های اختصاصی عقل از دیدگاه سید مرتضی

سید مرتضی در مواضعی از آثار خویش با بیان عبارتهایی از قبیل«...لا یفتقر فی ذلک الی السمع»(سید مرتضی، الذخیرة فی علم الکلام،۲۴۲) بر استقلال عقل از سمع و حتی اختصاصی بودن آن در برخی از حوزه‌های آگاهی به ویژه در کسب اعتقادات و معارف اولیه تأکید دارد؛ گرچه این نکته به معنای نفی نقل و دلایل سمعی نیست بلکه در برخی موارد چنانچه در ادامه خواهد آمد، دلایل نقلی می‌تواند نقش تاییدی برای دلایل عقلی داشته باشد. به بیان دیگر مسائل اعتقادی از قبیل توحید، نبوت، امامت و معاد در مرحلهٔ پذیرش و اثبات، حوزهٔ اختصاصی عقل به شمار می‌آید و نقل، نقشی در آن ندارد. زیرا تا با دلایل عقلی اصل توحید ثابت نشود،نمی‌توان به سراغ مباحث مربوط به نبوت و امامت و معاد رفت. به همین دلیل سید مرتضی قائل به نقش انحصاری عقل در کسب معرفت اولیه نسبت به خداوند است زیرا از نظر وی بعد از شناخت خداوند و حکمت اوست که دلایل سمعی اعتبار می‌یابد و بعد از آن است که می‌توان نسبت به پیامبران الهی و جانشینان آنها معرفت پیدا کرده و به سخن ایشان استناد کرد زیرا شناخت پیامبری پیامبران و امامت امامان مبتنی بر شناخت خداوند متعال است(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۱/ ۱۲۷). از این رو به اعتقاد وی لازم است تا در کسب اصول اعتقادات محققانه عمل کرده و تمامی بنیانها و مبانی عقیدتی را از روی عقل و تحقیق و نه نقل و تقلید پذیرفت و برخورد شدید او در آثار خود با مقلدین در حوزه عقاید ناشی از همین باور است؛ به طوریکه وی کسانی که مقلدانه معتقد به اصول عقاید شده‌اند را به شدت نکوهش کرده و حتی ایشان را به همین دلیل فاسق و فاقد شرایط عدالت دانسته و منقولات آنان را قابل پذیرش نمی‌داند(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۳/ ۳۱۰ و۳۱۱).

[۱]- در این خصوص لازم به ذکر است که اصولیان، فقدان دلیل سمعی (اجتهادی) را موضوع اصول عملیه دانسته و معتقدند مکلف باید در صورت نبودن دلیل سمعی همچون آیات قرآن و روایات صحیح برای برون‌رفت از حیرت به اصولی از قبیل استصحاب، تخییر، برائت، احتیاط و... عمل کند که تمامی آنها ریشه در عقل دارد. (برای آگاهی بیشتر در این باره نک: سیدمرتضی، الذریعه۸۲۴/۲-۸۳۷)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

علاوه بر موارد یاد شده فوق، وی در بسیاری دیگر از مباحث کلامی یا حتی فقهی خویش، با استناد به آنکه فلان امر، اصلی عقلی است، نیازی به ورود دلایل سمعی در آن نمی‌بیند و دلیل عقل را به تنهایی برای جواز یا اباحه یا حرمت کافی می‌داند. بعنوان نمونه وی لزوم تعلق ثواب به بندگان را به لحاظ عقل امری نیکو می‌داند که حسن آن بی‌نیاز از دلیل سمعی است(سید مرتضی، مجموعه رسائل،۱/ ۱۴۸؛ همو، جمل العلم و العمل،۳۷؛ همو، الذخیرة فی علم الکلام، ۲۴۲.) همچنین در موردی دیگر وی در پاسخ پرسشگری که از او در خصوص جایز بودن یا جایز نبودن کشتن حیوانات موذی و آزار رساندن به آنها سؤال می‌کند چنین پاسخ می‌دهد که این کار مستلزم وجود اذن سمع (دلیل سمعی از قرآن یا روایات) است اما چنانچه این ضرر اندک باشد یا منفعتی که بواسطه این ضرر رساندن عائد می‌شود قابل توجه باشد انجام آن عقلا نیکو است مانند آنکه مردم عقلا سوار شدن بر حیوانات را گرچه موجب آزار جزئی آنان است جایز شمرده و نیازی به دلیل سمعی ندارند زیرا در عوض آن اذیت، متکفل غدا و مایحتاج آن حیوان شده‌اند(سید مرتضی، مجموعه رسائل،۲/ ۳۷۲و۳۷۳؛ همو، الذخیرة فی علم الکلام، ۲۴۲).

نمونهٔ دیگری که از نظر سید مرتضی ریشه در اصول عقلی داشته و پذیرش آن نیازمنددلیل سمعی نیست اصل محترم بودن مالکیت افراد است که متوقف بر دلایل سمع نیست زیرا به اعتقاد وی هرکس که مالک چیزی شود و ملکیت وی بر آن تثبیت گردد، بالطبع بر دیگری تصرف بدون اذن او در آن مال جایز نخواهد بود(سید مرتضی،الذریعه،۲/ ۸۲۴)با این حال از نگاه سید مرتضی این سخن بدین معنا نیست که این امر استثنا نداشته باشد زیرا وی برای دفع هر گونه شبهه‌ای می‌افزاید که با وجود این حق عقلی مالکانه، در برخی موارد تصرف بدون اذن صاحب مال عقلا جایز بوده و قبحی ندارد، از قبیل آنکه کسی بواسطهٔ حقی که بر دیگری دارد در مال وی باندازهٔ حق خود تصرف کند مانند آنکه پولی از او غصب شده باشد و هیچ راهی برای رسیدن به حق خود نداشته باشد و به ناچار باندازهٔ همان پول در مال غاصب تصرف کند(سید مرتضی، الذریعه، ۲/ ۸۲۶).

۳. شاخصه‌های عقلانیت در آثار سید مرتضی(ره)

عقلگرایی سید مرتضی در جنبه‌های مختلف شخصیتی وی و آثار گوناگونی که از خود برجای گذاشته جلوه‌گر است. برخی از مهمترین شاخصه‌های عقلانیت سید مرتضی را می‌توان در توجیه عقلی احکام و نیز دفاع از مبانی کلامی تشیع و تأویل آیات و روایات ناسازگار با اصول عقلی خرافه‌زدایی و نقد خرافات، مورد قبول وی مشاهده کرد که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

۳. ۱. نقد خرافات و خرافه‌زدایی

سید مرتضی به لحاظ آنکه عالمی خردگرا بوده، توجه ویژه‌ای به نقش عقل و جایگاه آن در فهم متون دینی و نقد برداشت‌های نادرست از دین داشته است و چیزی که سید مرتضی را هم تا به امروز نگه داشته همین جنبه عقل گرایی او ومبارزه با خرافه پرستی و خرافات است. وی همواره با پایبندی به عقل و شرع دیگران را نیز بدان توصیه کرده و از بیان دیدگاههای خویش در رد عقاید انحرافی- که معتقدات خرافی از آن جمله است- ابایی نداشت. به عنوان نمونه سید مرتضی به صراحت هرگونه تاثیر کواکب و افلاک و سعد و نحس ایام در سعادت و شقاوت بشر را رد کرده و نه تنها اعتقادی به آنچه منجمان در این باره گفته‌اند ندارد بلکه گفتار ایشان را نیز در این خصوص فاقد مبنا و حقیقت می‌داند زیرا به نظر وی اگر منجمان به سعد و نحس ایام آگاه بودند و پیش از وقوع حوادث از آن اطلاع می‌داشتند باید هیچگاه بلا و یا مصیبتی بدیشان نمی‌رسید ،حال آنکه چنین نیست(سیدمرتضی، مجموعه رسائل،۲/ ۳۰۶). وی همچنین در پاسخ به کسی که از وی دربارهٔ تکذیب احکام نجوم در سعد و نحس ایام و اینکه آیا وی هنگام سفر یا پوشیدن لباس نو و نظائر آن به این احکام عمل می‌کند یا خیر می‌گوید: «نه تنها من به این احکام اعتنایی ندارم بلکه حتی تقویم نجومی شامل سعد و نحس ایام در خانه‌ام ندارم و در آن نظر نمی‌کنم و تا کنون جز خیر هم چیزی ندیده‌ام.»(همانجا)از این رو بدیهی است چنانچه روایتی در این باب هم رسیده باشد را یا به طور کلی رد کرده و یا در مقام تاویل و توجیه آن برآید.[۱]

نمونهٔ دیگر در این باب نفی ملک بودن رعد و برق است که گرچه روایاتی در این خصوص در منابع روایی امامیه[۲] رسیده است اما سید مرتضی به لحاظ عقلی این روایات را رد کرده و نپذیرفته و آن را عقیده‌ای نادرست می‌داند و معتقد است که رعد و برق پدیده‌ای طبیعی است که از برخورد ابرها با یکدیگر بوجود می‌آید(سیدمرتضی، مجموعه رسائل، ۴/ ۱۸).

۳. ۲. تأویل آیات و روایات ناسازگار با اصول عقلی

نقش محوری و اساسی عقل در اثبات تمامی امور دین اعم از اصول و فروع شاخصه اصلی تفکر و دیدگاه‌های سید مرتضی است و او همواره در تمامی آثار خویش از این چراغ فروزان درونی در تبیین رهنمودهای حجت بیرونی یا آموزه‌های پیامبران بهره برده است. از این روست که وی در تفسیر و تأویل آیات و احادیث روشی عقلی را بکار می‌بندد و چنانچه ظاهر متون نقلی اعم از قرآن و روایات با دلایل قطعی مورد قبول وی یعنی

---

[۱]- برای آگاهی از روایات موجود در این باب که برخی به ظاهر تایید احکام نجوم از آن برداشت می‌شود و برخی نفی مطلق و برخی تاثیر غیر مستقل آنها را تایید می‌کند نک: محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه۲۳۵۱/۳-۲۳۵۳

[۲]- به عنوان نمونه نک: عیاشی، ۲/ ۲۰۷؛ صدوق، من لایحضره‌الفقیه، ۱/ ۵۲۵ و۵۲۶؛ کلینی،۸/ ۲۱۸؛ مجلسی،بحارالانوار،۹/ ۲۱۵ و ۱۳/ ۲۲۹و۵۶ /۳۸۰ و۳۸۲

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

نصوص قطعی و ضروریات عقلی در تعارض باشد، آنها را به گونه‌ای موافق با این ادله تاویل و توجیه نموده و اگر عام است، تخصیصی برای آن یافته و چنانچه مجمل است به تبیین آن اقدام کرده و اگر اطلاق دارد، آن را مقید ساخته و یا وجهی مجازی را در تفسیر آن جاری می‌سازد(سید مرتضی،مجموعه رسائل، ۱/ ۱۲۴؛ خطاوی، ۹۹).[۱]

به عنوان نمونه از آنجا که سید مرتضی به لحاظ عقلی حضور در چند مکان در زمان واحد را برای اجسام محال می‌داند، ضمن صحیح دانستن اصل روایت حضور پیامبر(ص) و امام علی(ع) بر بالین محتضران در هرکجای عالم که باشند، روایت را حمل بر مجاز کرده و معنایی غیر از ظاهر آن را برمی‌گزیند و در نهایت با استناد به لغت و شعر عرب در مقام توجیه و تاویل آن برمی‌آید(مجموعه رسائل سید مرتضی،۱/ ۲۸۱).

در نمونه‌ای دیگر سید مرتضی در خصوص روایت « لو کان القرآن فی اهاب ما مسَّته النَّار»(سید مرتضی، امالی، ۱/ ۴۲۶؛ ابن ابی‌جمهور احسائی، ۴/ ۱۱۲ و۳۲۶؛ شعیری، ۴۸؛ مجلسی، بحارالأنوار، ۸۹/ ۱۸۴)[۲] بر اساس همین رویکرد عقلی ابتدا ضمن نقد دیگر تأویل‌های ذکر شده برای این روایت به بیان وجه صحیح معنای آن از دیدگاه خود پرداخته و معتقد است این کلام که از پیامبر (ص) نقل شده ، در مقام مبالغه در تعظیم قرآن وارد شده است به این معنا که قرآن آنقدر عظمت دارد که اگر بر فرض در میان جلدی نوشته شود و سپس در آتش افکنده شود و اگر قرار باشد که آتش چیزی را به خاطر علو شأن آن نسوزاند (در حالیکه شأن آتش سوزاندن است) ، قرآنی که میان جلد نوشته شده است را نمی‌سوزاند و چنین سبک بیانی در خصوص مبالغه و تعظیم چیزی در زبان عرب فراوان وجود دارد و بکار می‌رود و کسی که کمترین آشنایی با زبان عرب داشته باشد آن را درمی‌یابد مانند این سخن خداوند متعال که اگر قرآن را بر کوهی نازل می‌کردیم آن کوه از هم متلاشی می‌شد[۳] نه بدین معنا که واقعا چنین امری در خارج محقق می‌شود بلکه به این معنا که اگر قرار باشد کوه با آن عظمتش در اثر چیزی متلاشی شود، به سبب نزول قرآن بر آن متلاشی می‌شود.(تفصیل را نک: سید مرتضی، امالی ۱/۴۲۶-۴۳۱)[۴]

---

[۱]- در این خصوص لازم به ذکر است که گرچه به عقیدهٔ برخی، سید مرتضی تنها به تأویل آن دسته از اخبار پرداخته است که آنها را صحیح می‌دانسته (نک: عباسی و آقائی/۱۸۱) اما در مواردی حتی با وجود آنکه وی خبری را نپذیرفته و حکم به مدسوس بودن آن داده و حتی ظاهر آن را «خبیث» خوانده است وجه تأویلی برای آن ارائه کرده است(از جمله نک:سیدمرتضی،رسائل) و این مبنایی است که وی در کتاب الشافی خود اینگونه از آن یاد می‌کند: « لیس یجوز أن یتأوّل أحد من المتکلّمین خبرا یعتقد بطلانه، أو یشک فی صحته، إلّا بعد أن یبیّن ذلک من حاله و یدلّ علی بطلان الخبر أو علی فقد ما یقتضی صحّته»

[۲]- اگر قرآن در میان جلد باشد (و دچار آتش سوزی شود) ، آتش بدان نرسد.

[۳]- «لَوْ أَنْزَلْنا هذَا الْقُرْآنَ عَلی جَبَلٍ لَرَأَیْتَهُ خاشِعاً مُتَصَدِّعاً مِنْ خَشْیَةِ اللهِ وَ تِلْکَ الْأَمْثالُ نَضْرِبُها لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ یَتَفَکَّرُونَ» (الحشر،۲۱)

[۴]- در آثار سید مرتضی موارد مشابه دیگری نیز یافت می‌شوند از قبیل روایات مربوط به متولی غسل امام(ع)(نک: سیدمرتضی، مجموعه رسائل،۱۵۳/۳-۱۵۹)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

۳. ۳. توجیه عقلی احکام

سید مرتضی در عین حال که متکلمی زبردست است از فقهای نامدار شیعه در قرن پنجم هجری به شمار می‌رود. دلیل این موضوع مرجعیت او بر حوزه‌ی درسی بغداد بعد از وفات شیخ مفید است.قابل ذکر است که عقلگرایی او بر حوزه‌ی احکام فقهی و فتاوای دینی این دانشمند نیز سایه افکنده لذا یکی دیگر از شاخصه‌های عقلگرایی سید مرتضی را می‌توان در آراء و فتاوای فقهی وی مشاهده کرد که خردگرایی به شکلی تمام و کامل در آن جلوه‌گر است .

به عنوان مثال سید مرتضی در بحث از جایز بودن یا جایز نبودن نماز در خانۀ غصبی، با یک استدلال عقلی، بطلان و عدم جواز این کار را نشان می‌دهد. از دیدگاه وی به حکم عقل تصرف در خانۀ دیگری بدون اذن وی بی‌تردید مصداق غصب است و باز به حکم عقل نماز خواندن در چنین خانه‌ای جدای از دیگر اعمال متصرفانه نیست و خود نوعی تصرف به شمار می‌آید که به حکم عقل قبیح بوده و ظلم است و اگر کسی از فقها خلاف این گمان کند و آن را طاعت بپندارد و گمان کند که نمازخواندن جدای از غصب است خطای بزرگی مرتکب شده است(سید مرتضی، مسائل الناصریات، ۲۰۶).[۱]

۳. ۴. دفاع از اصول و مبانی تشیّع

یکی دیگر از شاخصه‌های عقلگرایی سید مرتضی را می‌توان چگونگی دفاع وی از اصول و مبانی تشیع دانست.وی که از متکلمان به نام شیعه است در اثبات و دفاع از مبانی تشیع نیز از اصول عقلی خارج نشده و سخت بدان پایبند است و دو کتاب معروف کلامی خود یعنی «الشافی فی الامامه» و «تنزیه الانبیاء» را بر همین مبنا نگاشته است.

از جمله وی تأکید ویژه‌ای بر اصل عصمت انبیاء و ائمه(ع) داشته و آن را از بزرگترین اصول در مبحث امامت می‌داند(سید مرتضی،مجموعه رسائل، ۳/ ۱۴۵). وی معتقد است که نه تنها امامان(ع) بلکه تمامی انبیاء نیز از این مقام برخوردار بوده و مرتکب هیچ گناه و لغزشی اعم از صغیره و کبیره نمی‌شوند(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۱/ ۱۲۱ – ۱۲۳) و از این رو اگر خبری مخالف این مبنا در متون روایی به ما برسد لازم است تا مورد نقد و بررسی قرار گرفته و به شکلی که مخالفت این مبنا نباشد تأویل و در غیر این صورت رد شود(سید مرتضی،

و نیز روایات ناظر به شنیده شدن کلام زائران توسط مزور(نک: همان، ۲۸۰/۱).

[۱]- برای آگاهی از دیگر نمونه‌های مربوط به عقلگرایی سید مرتضی در آراء فقهی نک: سیدمرتضی، رسائل۳۲۹/۴ ؛ همو،الإنتصار فی انفرادات الامامیه/۴۴۴و۴۴۵

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

تنزیه الانبیا، ۱۵).

از همین رو است که وی در دیگر آثار خود و نیز در پاسخ به سؤالاتی که از او می‌شده است همواره این مبنا را فرض گرفته و بر آن اساس پاسخ می‌داد. از جمله سید مرتضی(ره) در پاسخ به سؤال کسی که از او دربارهٔ وقت نماز ظهر و عصر و در ضمن آن از حدیث رد شمس و سبب قضا شدن نماز عصر امام علی(ع) پرسش کرده است، ضمن پذیرش اصل آن روایت معتقد است که هرگز جایز نیست که نماز واجبی از امام معصوم(ع) فوت شود بلکه آنچه روی داده آن است که تنها وقت فضیلت نماز عصر سپری شده بود و خورشید دوباره برای او بازگردانده شد تا آن فضیلت را درک کند و فرض دیگری غیر از این جایز نیست(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۱/ ۲۷۴؛ همو، امالی، ۳۴۰/۲-۳۴۳). از این پرسش و پاسخ چنین برمی‌آید که سؤال کننده حدیث رد شمس را مسلم و قطعی می‌دانسته است و سید مرتضی نیز در پاسخ وی تنها به دفع شبههٔ قضا شدن نماز عصر امیرمومنان علیه السلام می‌پردازد و نه تنها اصل این حدیث را انکار نکرده بلکه در موارد دیگری از آثار خود از جمله در شرح«قصیده مذهبه» سید حمیری به مناسبت بیتی از شعر او در اشاره به قضیهٔ رد شمس، به تفصیل به این شبهه و دیگر شبهات مربوط به این خرق عادت پاسخ داده و با بیان عبارت «الروایة بذلك مشهورة» بر وقوع آن یکبار در زمان پیامبر(ص) و یکبار در زمان خلافت امیرمؤمنان علیه السلام صحه گذاشته است (نک: سیدمرتضی،مجموعه رسائل، ۷۸/۴-۸۳ ؛ همو،امالی، ۳۴۰/۲-۳۴۳).

همچنین بر همین اساس است که وی سعی دارد تا فقه امامیه را بر مبانی اصیل، متقن و فراگیر بنیان نهد و در دفاع از آن پاسخ گوی اشکالات اهل تسنن باشد و از این رو به تألیف کتابهایی همچون انتصار و ناصریات در «علم الخلاف»می‌پردازد که یکی از کهن ترین کتب موجود در این حوزه و حاوی امهات مسائل فقهی است(طباطبایی، ۲۰۶و۲۰۷).

۴. تمایز بین خرافه‌زدایی و قلمرو دینی خارج از عقلانیت

از دیدگاه سید مرتضی مواردی وجود دارد که نمی‌توان آنها را در قالب عقلانیت قرار داد و بر مبنای عقل در مورد آنها داوری کرد و آنها را پذیرفت بلکه این قبیل موارد از جمله تعبدیات دینی هستند که به دلیل وجود نقل قطعی برای آنها لازم است آنها را پذیرفته و حتی اگر به ظاهر با قواعد عقلی سازگاری نداشته باشند، در صدد انکار آنها برنیامد و آن را در زمره خرافات ندانست. سید مرتضی با اینکه عالمی به تمام معنا خردگرا است و در مقام استدلال کمتر به اخبار متوسل می‌شود، اما با این همه، هیچگاه جانب انصاف را رها نکرده و چون اهل اعتزال از نقل فاصله نگرفته و هرگز به عقل گرایی افراطی گرایش پیدا نکرده است از دیدگاه وی برخی از عقاید و احکام دینی به ویژه در حوزهٔ فروع، خارج از دایرهٔ ورود عقل بوده و اثبات آنها تنها از طریق نقل مسلم

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

قطعی، ممکن است. البته وی بدلیل اهمیت فراوانی که برای عقل و جایگاه آن در فهم و نقد حدیث و نیز بهره‌وری از آن در بیان مسائل مختلف، قائل است تا جای ممکن اصالت را به عقل می‌دهد و سعی در تاویل و توجیه روایات با ادلهٔ عقلی دارد اما با این وجود در مواردی از آثار خود با بیان عبارتهایی از قبیل «... أن العقل لا مدخل له فیه»(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۴/ ۳۴۵) یا « اعلم أنه لا طریق من جهة العقل.... فالمرجع فیه الی السمع»(سید مرتضی، مجموعه رسائل،۲/ ۱۵۵) و یا «...فطریقه السمع، لا مجال لأدلة العقل فیه»(سید مرتضی، مجموعه رسائل،۱/ ۱۵۴) و یا « لا دلیل فی العقل علی... و إنما المرجع فی ذلک الی السمع»(سید مرتضی، جمل العلم و العمل،۳۷) و یا «فلا طریق الی العلم به الا السمع»(سید مرتضی، مجموعه رسائل،۱/ ۴۰۳) و یا « ...لا دلالة في العقل علي...» (سید مرتضی، الذخیرة فی علم الکلام ،۲۸۱) و یا «طریق معرفة...السمع دون العقل»(همان،۲۹۸) اذعان دارد که در پاره‌ای مسائل تنها نقل است که می‌تواند راه‌گشا باشد و عقل و استدلال‌های عقلی راهی به آن ندارند و بدنبال آن از ضرورت توقف در برخی موضوعات تا یافتن دلیل سمعی قاطع سخن گفته و نقل را بر عقل مقدم داشته است.

به عنوان مثال سید مرتضی در پاسخ به پرسشهایی از قبیل اینکه آیا آسمانها و زمین اولین مخلوقات خداوند هستند(سید مرتضی،مجموعه رسائل، ۴/ ۳۲) و یا آیا انبیاء برتر از ملائکه‌اند(سید مرتضی، مجموعه رسائل،۲/ ۱۵۵و۱۵۶؛همو، امالی، ۲/ ۳۳۳) و یا آیا ائمه هیچیک بر دیگری برتری دارند یا خیر، یا اینکه کدام امام افضل است؟ آیا امام حسن علیه السلام برتر است یا امام حسین علیه السلام؟ حکم کسی که با فروع دین مخالفت کند چیست و آیا چنین فردی مؤمن است یا کافر؟(سید مرتضی، مجموعه رسائل،۱/ ۱۵۴) آیا ثواب و عقاب مترتب بر ایمان و کفر دائمی است یا منقطع؟(همان،۱۴۸؛ همو، جمل العلم و العمل،۳۷)[1]، کیفیت نزول قرآن چگونه بوده است؟ آیا دفعی بوده است یا تدریجی؟(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۱/ ۴۰۲) به یک پاسخ مشترک در تمام این موارد بسنده می‌کند و آن اینکه این مسائل از مواردی نیست که بتوان با ادلهٔ عقلی در مورد آن به قضاوت نشست بلکه یقین به آن، نیازمند دلیل قاطع نقلی از قرآن یا دلیل سمعی دیگری است که قطع بر صحت آن باشد و چنانچه نقلی قطعی و دلیلی شرعی در مورد آن یافت نشود لازم است که در آن مسأله توقف کرده و آن را در مرحلهٔ شک قرار داد(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۱۴۸/۱و۱۵۴و۲۸۱و۲۸۲؛ ۱۵۵/۲و۱۵۶؛ ۳۲/۴). به نظر می‌رسد این موضع سید مرتضی در توجه به نقل در حوزه‌هایی که عقل از آنها ساکت است، موضعی

[1]- از دیدگاه سید مرتضی اگرچه عقل فی الجمله ما را به استحقاق این ثواب و عقاب راهنمایی می‌کند اما درک چگونگی این پاداش و دائمی یا موقت بودن آن و اینکه چه کسانی مستحق آن هستند امری است که عقل بدان راه ندارد و اثبات آن تنها از طریق اجماع و یا دلایل سمعی ممکن است. (نک: سیدمرتضی، رسائل ۱۴۸/۱ و همو، جمل العلم و العمل/ ۳۷؛ همو، الذخیرة فی علم الکلام/۱۵۲و۲۸۱-۲۸۵)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

معتدلانه‌تر از استاد او یعنی شیخ مفید است[1]

وجوب شرعی و نه عقلی امر به معروف و نهی از منکر- به استثناء مواردی که عقلا دفع ضرری واجب باشد و به حکم عقل جلوگیری و نهی از آن منکر وجوب پیدا می‌کند(سیدمرتضی،جمل العلم و العمل، ۳۹) - نیز یکی دیگر از مواردی است که سید مرتضی به آن باور دارد و معتقد است که نهی از منکر تنها بر اساس دلایل شرعی و نقلی و در صورت تحقق شرایط آن[2] واجب می‌شود(سید مرتضی، جمل العلم و العمل، ۳۹).[3]

سید مرتضی آن دسته روایاتی که می‌پذیرد را هم لزوما توجیه عقلی ندارد فقط از جهت آنکه روایات را مخبر صادق گفته و قطعی می‌داند می‌پذیرد. وی معتقد است که ملاک عقلی در پذیرش روایات، عقل سلیم و بدیهیات عقلی است و نباید روایتی را که با ضروریات عقلی و دلایل قطعی مخالفتی ندارد اما به ظاهر برای ما غرابت ذهنی دارد و از آن دچار تعجب و شگفتی می‌شویم ردکرد(خطاوی، ۱۱۷) زیرا از دید وی، تعجب از احکامی که علت آنها بر ما پوشیده است و انکار آن، تفاوتی با تعجب کفار از برخی اعمال مسلمانان از قبیل طواف خانهٔ خدا، رمی جمرات، بوسیدن حجر الاسود و موارد دیگر ندارد(سید مرتضی، الإنتصار، ۱۳۲). یکی از مواردی که سید مرتضی آن را از همین نوع از احکام دانسته و البته به بیان برخی دلایل احتمالی تشریع آن نیز می‌پردازد بخشی از آداب و مستحبات در دفن میت یعنی قرار دادن دو چوب تر یا همان «جریدتین» در کفن اوست(همان،۱۳۱و۱۳۲). وی همچنین اخبار دال بر معجزات و خوارق عادات انبیاء و ائمه علیهم السلام را نیز از همین قبیل می‌داند. بعنوان نمونه وی در شرح قصیده مذهبه سید حمیری، ضمن صحیح دانستن خبر مربوط به استخراج معجزه‌گونهٔ آب از چاهی که نزد دیر راهب نصرانی بود و در نهایت اسلام آوردن او بدست امیرمؤمنان علیه السلام، بر این نکته تاکید دارد که نباید این قبیل اخبار به صرف آنکه دال بر امری خارق عادت هستند را انکار کرد(سید مرتضی، مجموعه رسائل، ۴/ ۸۶).[4]

نتایج

۱- سید مرتضی عالمی عقلگرا است که مخالفت جدی با سطحی نگری و قشری گری به ویژه در معارف دینی داشته است و همین عقلانیت قوی او موجب مخالفت سرسختانه وی با خرافات و ترویج آنها بوده است.

---

[1]- تخطئه‌های شیخ مفید نسبت به احکام و عقایدی که ریشه در خبر واحد دارد را نک: مفید، تصحیح اعتقادات الإمامیه.

[2]- شرایط وجوب شرعی نهی از منکر از دیدگاه سید مرتضی عبارتند از :علم به منکر بودن آن عمل، تاثیر داشتن انکار منکر، عدم خوف بر نفس و آنچه جاری مجرای آن است، مفسده نداشتن انکار آن منکر (نک: سید مرتضی،جمل العلم و العمل، ۳۹)

[3]- برای آگاهی تفصیلی از ادلهٔ موافقان و مخالفان وجوب عقلی امر به معروف و نهی از منکر نک: سروش، ۴۲-۶۲.

[4]- برای آگاهی بیشتر در خصوص رابطه‌ی عقل و نقل از دیدگاه سید مرتضی نک: شریعتی نیاسر، معارف، شاهرودی،۷۳-۹۷.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

۲- اعتقاد به فال بد یا طیره و نیز شوم بودن برخی موجودات ، اعتقاد به سعد و نحس ایام و ساعت‌هایی از شبانه روز بر اساس وضعیت ستارگان در آسمان‌ها از جمله باورهای خرافی ناسازگار با عقلانیت و منطق عقلی است که سید مرتضی همچون دیگر پیشوایان دینی با الهام از عقل و شرع به مبارزه با آنها برخاسته است.

۳- از دیدگاه سید مرتضی مواردی از قبیل قراردادن جریدتین یا دو چوب تر در کفن میت و مانند آن که به نمی‌توان آنها را در قالب عقلانیت قرار داد و بر مبنای عقل در مورد آنها داوری کرد، از جمله تعبدیات دینی هستند که پذیرش آنها با توجه به دلایل نقلی قطعی لازم است و نباید آنها را انکار کرده و در زمره خرافات دانست.

۴- عقلانیت نزد سید مرتضی تا بدان حد از اهمیت است که وی افرادی که از سر تقلید و بدون تعقل معتقد به حق هستند و مبانی اعتقادی خویش را بدون تدبر و تأمل پذیرفته‌اند و چنین شاکله‌ی اعتقادی موجب تضییع معارف از سوی آنان می‌شود را کافر و فاسق و در نتیجه سخن آنان را فاقد حجیت لازم دانسته و اخبار و روایات آنان را نیز مردود اعلام می کند.

کتابشناسی

قرآن کریم.

۱- ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد، *شرح نهج‌البلاغه*، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم: افست انتشارات کتابخانه‌ی عمومی آیت الله مرعشی،بی‌تا.

۲- ابن ابی جمهور احسائی، محمد، *عوالي اللئالي العزيزية في الأحاديث الدينيه*، به تصحیح مجتبی عراقی، قم: دار سید الشهداء للنشر ،۱۴۰۵ق.

۳- ابن اثیر، عزالدین ابو الحسن، *الکامل فی التاریخ*، با تحقیق: عمر عبدالسلام تدمری،چاپ سوم، بیروت: لبنان، دارالکتاب العربی، ۱۴۲۲ ق.

۴- ابنسیده، علی بن اسماعیل، *المحکم و المحیط الأعظم* ، تحقیق: محمد هنداوی، بیروت: لبنان،دارالکتب العلمیه، بی‌تا.

۵- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، *تحف العقول عن آل الرسول*، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: جامعه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۳ش.
۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت: لبنان، دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع –دار صادر، بی‌تا.
۷. آمدی، عبدالواحد، *غرر الحکم و دررالکلم*، تصحیح مهدی رجائی، چاپ دوم، قم: دارالکتاب الاسلامی ،۱۴۱۰ق.
۸- باقری، حمید، *بررسی و نقد معیارهای احراز صدور حدیث نزد متقدمان و متاخران امامیه*، رساله دکتری، تهران: دانشگاه تهران،۱۳۹۱ ش.
۹- بحرانی، یوسف بن احمد ، *الدرر النجفیة من الملتقطات الیوسفیة*، بیروت- لبنان: دار المصطفی لإحیاء التراث، ۱۴۲۳ق.
۱۰- همو، *الحدائق الناضرة في أحکام العترة الطاهرة*، تصحیح و تحقیق: محمد تقی ایروانی، سید عبدالرزاق مقرم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۵ق.
۱۱- برقی، ابو جعفر احمد بن محمد بن خالد، *محاسن*، چاپ دوم قم: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ق.
۱۲- پژوهنده، محمد حسین، *خرافه ستیزی در اندیشه‌ی دینی از دیدگاه شهید مطهری*، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره۵۹،ص۷۹-۱۰۲، مرداد و شهریور۱۳۸۵ش.
۱۳- پهلوان، منصور، *جایگاه عقل و دین در قرآن و حدیث*، *عقل و دین*، قم، شماره اول، زمستان ۱۳۸۷ش.
۱۴- همو، *خورشید بغداد، مروری بر زندگی و آثار سید مرتضی، مجموعه اندیشه‌مندان ایران و اسلام*، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۹۰ش.
۱۵- جباری،محمد رضا. *«شناخت و تحلیل مکتب حدیثی قم از آغاز تا اول قرن پنجم هجری»*. مطالعات اسلامی، تهران: شماره‌های ۴۹و۵۰، ص ۸۰-۵۷، پائیز و زمستان۱۳۷۹ش.
۱۶- جعفری،یعقوب، *اسرائیلیات در کتاب‌های تفسیری و تاریخی، تاریخ در آینه پژوهش*، شماره ۱۴، تابستان ۱۳۸۶ش.
۱۷- جمشیدی، حسن، *خرافه گرایی و بازتاب آن در قرآن*، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره۹۰، ص-۱۴۲ ۹۳ ، مهر و آبان ۱۳۹۰ش.
۱۸- جوهری،اسماعیل بن حماد، *الصحاح(تاج اللغة و الصحاح العربیة)*، بیروت، لبنان: دارالعلم للملایین،بی‌تا.
۱۹- حر عاملی، محمد بن حسن، *الفصول المهمة في أصول الأئمة(تکملة الوسائل)* تصحیح: القائینی، محمد بن محمد الحسین ، قم: موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام، ۱۴۱۸ ق / ۱۳۷۶ ش.
۲۰- همو، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: موسسه‌ی آل البیت علیهم السلام لإحیاء التراث.
۲۱- حسینی رودباری، سید مصطفی، *خرافه زدایی در سیره‌ی نبوی*، مجله‌ی پیام، شماره‌ی۷۹، ص۴۸-۶۶ ،پاییز۱۳۸۵ش.
۲۲- خداپرستی، فرج الله، *فرهنگ واژگان مترادف و متضاد* ، سایت دادگان(مرجع دادگان زبان فارسی)

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

دبیرخانه شورای عالی اطلاع‌رسانی کشور، http://dadegan.ir/catalog/D۳۹۱۱۱۲۴a
۲۳- همو، *فرهنگ واژگان مترادف و متضاد*، شیراز: انتشارات دانشنامه فارسی، ۱۳۷۶ش.
۲۴- خضری، سید احمدرضا و همکاران، *تاریخ تشیع*، تهران: انتشارات سمت؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه،۱۳۸۴ش.
۲۵- خطاوی، وسام ، *المناهج الروائیه عند الشریف المرتضی*، قم: انتشارات دارالحدیث،۱۳۸۵ش.
۲۶- خفاجی، احمد، *شفاء الغلیل فیما فی کلام العرب من الدخیل*، تصحیح: محمد کشاش، بیروت، لبنان: دارالکتب العلمیه،بی‌تا.
۲۷- دلشاد تهرانی، مصطفی، *تراز حیات(ساختارشناسی عدالت در نهج‌البلاغه)*، تهران: انتشارات دریا، ۱۳۹۰ ش.
۲۸- ذهبی، شمس الدین محمد. *تاریخ الأسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام*،محقق: عمر عبدالسلام تدمری،بیروت، لبنان: دارالکتاب العربی، ۱۴۲۳ق.
۲۹- رضوی صوفیانی، عظیم و گذشته، ناصر؛ *علل گرایش شیخ مفید و سید مرتضی به عقلگرایی اعتزالی در قرن چهارم*، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، شماره۲، صص۱۰۳-۱۲۰، بهار و تابستان ۱۳۹۰ش.
۳۰- زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، لبنان: دارالفکر، بی‌تا.
۳۱- زرکلی، خیرالدین ، *الأعلام*، چاپ پنجم، بیروت، لبنان: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۰م
۳۲- سبحانی، جعفر،*موسوعة طبقات الفقهاء*،چاپ اول، مؤسسه الأمام الصادق(ع)، قم: ۱۴۱۸ ق.
۳۳- سبحانی، محمد تقی، *«عقلگرایی و نصگرایی در کلام اسلامی»*، نقد و نظر، قم: شماره ۳و۴، تابستان و پائیز، ۱۳۷۴ش.
۳۴- سروش، محمد، *مبانی عقلانی امر به معروف و نهی از منکر*، فصلنامه حکومت اسلامی، سال هفتم ، شماره ۲۴، تابستان ۱۳۸۱ش.
۳۵- سید رضی، محمدبن حسین ،نهج‌البلاغه
۳۶- سید مرتضی، ابوالقاسم علی بن الحسین،*مسائل الناصریات*، مقدمه: محمد واعظزاده خراسانی، محقق: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، تهران: انتشارات سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی،۱۳۷۶ش.
۳۷- همو، *الذریعه الی مسائل الشریعه*، مصحح: ابوالقاسم گرجی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۳ش.
۳۸- همو، *مجموعهٔ رسائل*، مقدمه و اشراف: سید احمد حسینی، اعداد: سید مهدی رجایی، قم: دار القرآن الکریم. ۱۴۰۵ ق.
۳۹- همو، *الذخیرة فی علم الکلام*، محقق: سید احمد حسینی، قم: مؤسسه نشر اسلامی،۱۴۱۱ ق.
۴۰- همو، *الانتصار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
۴۱- همو، *امالی*، به تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، مصر: قاهره، انتشارات دارالفکر، بی‌تا.
۴۲- همو،*تنزیه الأنبیاء*، چاپ دوم، بیروت: لبنان، دارالأضواء ، ۱۴۰۹ ق.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

۴۳- همو، *جمل العلم و العمل*، نجف: انتشارات آداب،۱۳۸۷ق.
۴۴- شریعتی نیاسر، حامد؛ معارف، مجید؛ شاهرودی، محمدرضا؛ *عقل و نقل در دیدگاه سید مرتضی و پی‌جویی رابطهٔ آن‌ودرآثار او*، پژوهش‌های قرآن و حدیث، دوره۴۷، شماره۱، بهار و تابستان ۹۳.
۴۵- شعیری ،محمد رضا ، مجله دانشگاه انقلاب وابسته به جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۶، ص۶۲-۶۵ ، شماره ۵۰
۴۶- صاحب بن عباد، اسماعیل، *المحیط فی اللغه*، تحقیق: محمد حسین آل یاسین، بیروت، لبنان: عالم الکتاب، بی‌تا.
۴۷- صدوق،محمد بن علی بن بابویه، *علل الشرایع*، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ش.
۴۸- همو، *من لا یحضره الفقیه*،چاپ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۴۹- صفدی،صلاح‌الدین، *الوافی بالوفیات*، به اهتمام: ایمن فؤاد سید،آلمان: اشتوتگارت، انتشارات فرانزشتاینر، ۱۴۰۸ق.
۵۰- طباطبایی، سید مهدی، *نگرشی بر فقه سید مرتضی، فقه اهل‌بیت(ع)*،قم: سال ۵، شماره ۱۷و۱۸، تابستان ۱۳۷۸ ش.
۵۱- طبرسی فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تحقیق و مقدمه: محمد جواد بلاغی، چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو،۱۳۷۲ش.
۵۲- عباسی، مهرداد؛ آقائی،سید علی، *«مبانی و روش فهم سید مرتضی از اخبار آحاد با تکیه بر کتاب امالی»*،تهران: صحیفهٔ مبین، شمارهٔ۴۶، پائیز و زمستان، ۱۹۲-۱۷۱، ۱۳۸۸ش.
۵۳- علوی‌نژاد، سید حیدر، *قرآن و خرافه‌باوری*، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۷و۳۸،ص۲۴۸-۲۷۱، بهار و تابستان ۱۳۸۳ش.
۵۴- عمید، حسن، *فرهنگ لغات* ، سرپرست تألیف و ویرایش: فرهاد قربان‌زاده، ناشر: اَشجَع، ۱۳۸۹ش.
۵۵- عیاشی، محمد بن مسعود.*تفسیر العیاشی*، تهران: چاپخانه علمیه، ۱۳۸۰ ق.
۵۶- فتاحی‌زاده، فتحیه، *مبارزه پیامبر(ص) با آداب و رسوم خرافی*، شیعه شناسی، شماره‌ی۲۱، ص۳۹-۵۸، بهار۱۳۸۷ش.
۵۷- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، *روضة الواعظین و بصیرة المتعظین(ط-القدیمة)*، قم انتشارات رضی،۱۳۷۵ ش
۵۸- فجر رسلان، یوسف، *خرافات فی التراث العربی*، المنهاج، ، شماره ۲۱، صص۱۰۵-۱۳۵، بیروت، لبنان، بهار ۱۳۸۰
۵۹- فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، تحقیق: مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، گردآورنده: محسن آل عصفور، قم: نشر هجرت ، بی‌تا.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

۶۰- فیض کاشانی، محمد محسن ، *الوافی*، اصفهان: کتابخانه امام أمیر المؤمنین علی علیه السلام، ۱۴۰۶ ق.
۶۱- قمی، شیخ عباس، *الفوائد الرضویة في احوال العلماء المذهب الجعفریة*، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، چاپ اول، تهران: انتشارات دارالثقلین،۱۳۸۷ش.
۶۲- کراجکی، محمد بن علی، *کنز الفوائد*، تصحیح: نعمة، عبد الله، قم: دارالذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۶۳- کلینی، محمدبن یعقوب، *کافی*، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۶۴- گوستاو جاهودا، *روان‌شناسی خرافات*، ترجمه: محمد تقی براهنی، نشر نو، ۱۳۶۳ش.
۶۵- مجلسی، محمد باقر ، *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*، تصحیح: رسولی محلاتی، هاشم، چاپ دوم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ق .
۶۶- همو، *بحارالأنوار الجامعة لدرر اخبار ائمة الأطهار*، چاپ دوم، بیروت، لبنان: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۷- مجلسی، محمد تقی، *روضة المتقین في شرح منلا یحضره الفقیه*، تصحیح: حسین موسوی کرمانی و علی‌پناه اشتهاردی، چاپ دوم، قم: موسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ق.
۶۸- محمدی ری‌شهری، محمد ،*میزان الحکمه*، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۷۵ش.
۶۹- محی الدین، عبدالرزاق، *ادب المرتضی و سیرته(شخصیت ادبی سید مرتضی)*، ترجمه : جواد محدثی، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۷ش.
۷۰- مدرسی طباطبایی،سیدحسین، *مکتب در فرآیند تکامل*، ویرایش جدید، مترجم: هاشم ایزدپناه، تهران: انتشارات کویر،۱۳۸۶ش.
۷۱- مظفر، محمدرضا، *اصول الفقه*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان،۱۴۱۹ق.
۷۲- مفتخری، حسین؛ فتح قبادپور، علی،«*تجدید حیات فکری معتزله در قرن چهارم هجری*». تاریخ اسلام، قم: سال پنجم،شمارۀ ۲۰، زمستان، ۹۸-۶۳،۱۳۸۳ش.
۷۳- مفید، محمد بن نعمان . *المسائل السرویه*، محقق:صائب عبدالحمید، قم: انتشارات کنگرۀ جهانی هزارۀ شیخ مفید،۱۴۱۳ق.
۷۴- همو، *تصحیح اعتقادات الإمامیه* ، قم: المؤتمر العالمی للشیخ المفید،۱۴۱۳ق.
۷۵- موسوی خوانساری إصبهانی، میرزا محمد باقر، *روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات*،چاپ نخست، بیروت، لبنان: الدار الإسلامیه،۱۴۱۱ق.
۷۶- مولوی گنجه، سجاد، *نشریه اصلاح و تربیت*، شماره ۱۸،ص ۲۱-۲۴، شهریور ۱۳۸۲ش.
۷۷- نصراللهی، صفورا، *خرافه و خرافه گرایی*، پژوهشنامه، شماره ۴۱،ص ۱۹۹-۲۲۳، پاییز ۱۳۸۸ش.
۷۸- نوری، حسین ، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، قم: مؤسسۀ آل البیت علیهم السلام، ۱۴۰۸ ق.
۷۹- وکیلی، هادی، *خرافه پردازی، خاستگاه و نقد آن، کتاب نقد*،شماره‌ی ۴۰ ،پاییز ۱۳۸۵ش.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]
[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1393.7.14.1.0]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-11]